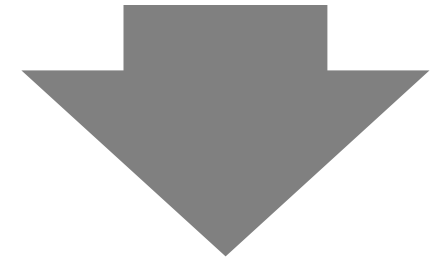


مراحل فریب انسان

توسط

شیطان



برادر و خواهر مسلمان، ابلیس دشمن قسم خورده‌ی ما است:

﴿ قَالَ فِعْرِيكَ لَا أُعْوِدُهُمْ آجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴾

[ص: ۸۳-۸۲]

[شیطان] گفت پس به عزت تو سوگند که همگی را از راه به در می‌برم (۸۲) مگر آن بندگان پاکدل تو را

و تادم مرگ و بر پا شدن قیامت، تمام سعی و کوشش خویش را برای گمراه نمودن انسان به کار می‌برد و برای رسیدن به هدف خویش یعنی همراهی در جهنم از هیچ وسیله‌ای دریغ نمی‌کند و بدون شک انسان را یکباره به کفر و شرک و بدعت دعوت نمی‌دهد، بلکه قدم به قدم و پله به پله وارد می‌شود. تا زمانی که انسان را در ورطه هلاکت بیندازد. لذا برای آشنا شدن با راه‌های فریب شیطان، نجات از آن و همچنین برای تشخیص میزان ایمان خود، مراتب فریب شیطان را بیان می‌کنیم.

مراتب اغوای شیطان:

- ۱) کفر و شرک
- ۲) بدعت
- ۳) گناهان کبیره
- ۴) گناهان صغیره
- ۵) مشغول کردن به کارهای میباح
- ۶) مشغول کردن به عمل نیکی که ارزش کمتری دارد.

مرحله‌ی اول (کفر و شرک):

این مرحله عبارت است از، کشاندن انسان به کفر و شرک، و دشمنی با خدا و رسولش و اگر شیطان در این مرحله موفق شد و توانست به هدف خود برسد، چنین انسانی را جزو سربازان و لشکریان خود می‌گرداند، و در این صورت او یکی از جانشینان و مبلغان فعال شیطان برای فریب دیگر انسانها می‌شود.

عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ : انْطَلَقْتُ مَعَ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ لِلشِّرْكَ فِيمَا أَحَقُّ مِنْ ذَبِيبِ النَّمْلِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ وَهَلِ الشِّرْكَ إِلَّا مَنْ جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِلشِّرْكَ أَحَقُّ مِنْ ذَبِيبِ النَّمْلِ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ إِذَا قَلْتَهُ ذَهَبَ عَنْكَ قَلِيلَةٌ وَكَثِيرَةٌ قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرَكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ

از معقل بن یسار رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که گفت: همراه ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای ابوبکر شرک در میان شما همچون راه رفتن مورچه مخفی است. ابوبکر گفت: آیا شرک غیر از این است که برای خداوند شریکی قرار دهیم؟ پیامبر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمودند: قسم به خدایی که جانم در دست اوست شرک در میان شما از راه رفتن مورچه هم مخفی‌تر است. آیا تو را بر چیزی راهنمایی نکنم که اگر آن را بگویی شرک کوچک و بزرگ از تو

دور می‌گردد. گفت: بگو «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ...» خدایا پناه می‌برم به تو از اینکه شرک بیایم در حالی که می‌دانم، و از تو طلب آمرزش می‌کنم به خاطر آنچه که نمی‌دانم.

اما اگر شیطان نا امید شد و نتوانست او را در این مرحله فریب دهد، از مرحله‌ی دوم استفاده می‌کند. و به درجه‌ی کمتر رو می‌آورد.

مرحله‌ی دوم (بدعت):

بدعت عمل و رفتاری است مخالف با دعوت پیامبران، و فراخوانی است بسوی آنچه که مخالف با احکام و دستوراتی است که پیامبران آورده‌اند، زیرا در نظر شیطان بدعت از گناه و نافرمانی محبوب‌تر است، به خاطر اینکه در گناه و نافرمانی زیان به خود انسان بر می‌گردد ولی در بدعت ضرر آن متوجه دین می‌شود و بدعت دروازه‌ی کفر و شرک است.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ حَبَبُ التَّوْبَةِ عَنْ كُلِّ صَاحِبٍ بِدْعَةٍ حَتَّى يَدَعَ بِدْعَتَهُ» (روایت طبرانی)

از انس بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: خداوند پرده‌ای بین قبول توبه هر بدعت گذار گذاشته است تا دست از بدعت خویش بردارد.

اگر شیطان در این مرحله هم ناکام ماند و موفق به فریب انسان نگردد، به این خاطر که آن فرد از جمله کسانی بود که مورد فضل خدا قرار گرفته بود، به طوری که سخت دشمن بدعت و بدعت سازان، و مخالف با گمراهی افراد گمراه بود، برای فریب او به مرحله‌ی سوم روی می‌آورد.

مرحله‌ی سوم (گناهان کبیره):

این مرحله عبارت است از: سوق دادن انسان به طرف گناهان کبیره بر حسب اختلاف انواع آن‌ها، مسلماً شیطان بسیار حریص و علاقمند است که مؤمن مرتکب گناهان کبیره شود به ویژه وقتی که شخص مؤمن، عالمی باشد که از او پیروی می‌شود، پس شیطان سخت می‌کوشد که او را مرتکب گناهان کبیره سازد، تا اینکه مردم از او متنفر شده و از گرد او پراکنده شوند، آنگاه گناهان و نافرمانی‌هایش را برای مردم فاش می‌نماید.

سپس در میان آنان فردی را به عنوان نماینده‌ی خود تعیین و مأمور می‌کند تا گناهان و لغزش‌های این شخص [عالم یا داعی] را اشاعه و گسترش دهد، و آن فرد به خیال خود این کار را برای خدمت دین و به خاطر تقرب جستن به خدا انجام می‌دهد، در حالی که او نماینده‌ی شیطان است، و بیچاره درک نمی‌کند:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾ [نور: ۱۹]

آنان که دوست دارند اعمال زشت در حق مؤمنان اشاعه یابد، در دنیا و آخرت دچار عذاب سختی خواهند شد و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

با توجه به معنای آیه کسانی که شامل این‌گونه عذاب می‌گردند می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف : کسانی که پخش و اشاعه‌ی گناهان را دوست دارند، عذاب شدید مذکور در آیه شامل آنها می‌شود.

ب : کسانی که مسئولیت پخش کردن گناهان و لغزش‌ها را به عهده دارند. که عذاب آنها بدون شک بسیار شدیدتر از گروه نخست است. و شکی نیست در اینکه مسئولیت اینگونه افراد صرفاً برای دور ساختن مردم از افراد عالم و آگاه، و استفاده نمودن از رهنمودهای خیرخواهانه‌ی آنهاست.

و این امری است واضح، زیرا کسانی که با گناه، به خود ظلم کنند، اگر از عمل خود پشیمان شوند و توبه کنند، قطعاً خداوند توبه ایشان را می‌پذیرد و گناهان ایشان را تبدیل به حسنات می‌کند.

اما گناه این طایفه ظلم علیه مؤمنان است چون آبرو و حیثیت آنان را جستجو کرده و قصد رسوا ساختن آنها را دارند و مسئولیت اشاعه‌ی اعمال زشت و ناپسند را بر عهده گرفته‌اند، در حالی که خداوند ناظر اعمال ایشان است و به هر نوع فریب و به هرگونه دسیسه و توطئه‌ی شیطان و شیطان صفتان آگاه است.

اگر شیطان در این مرحله نیز ناتوان ماند و موفق نشد، به مرحله‌ی چهارم روی می‌آورد.

مرحله‌ی چهارم (گناهان صغیره):

گناهانی هستند که هر گاه تکرار شوند و جمع گردند شخص را نابود می‌کنند.

عَنْ سَهْلِ ابْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِيَّاكُمْ وَ مُحَقَّرَاتِ الدُّنُوبِ فَإِنَّمَا مَثَلُ مُحَقَّرَاتِ الدُّنُوبِ كَمَثَلِ قَوْمٍ نَزَلُوا بَطْنَ وَادٍ فَجَاءَ ذَا بَعُودٍ وَ جَاءَ ذَا بَعُودٍ حَتَّى حَمَلُوا مَا أَنْضَجُوا بِهِ خَبْرَهُمْ وَ إِنَّ مُحَقَّرَاتِ الدُّنُوبِ مَتَى يُؤْخَذُ بِهَا صَاحِبُهَا تَهْلِكُهُ»

از سهل ابن سعد رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از

گناهان صغیره بپرهیزید، چرا که گناهان صغیره به مانند گروهی هستند که وارد دره‌ای می‌شوند و هر کدام هیزمی بیاورد تا آنها را روی هم گذاشته و بوسیله‌ی آن نان و غذا بپزند بی‌گمان گناهان صغیره (همینطور هستند) هرگاه شخص مرتکب آنها شود (و آنها را تکرار کند و روی هم جمع شوند) او را نابود و هلاک خواهند کرد.

مثال دیگر گناهان صغیره همانند قطره‌های آبی است که قطره قطره روی تخته سنگ بزرگی چکیده و به مرور زمان آن را سوراخ می‌کند، گناه صغیره نیز ایمان را در قلب مؤمن سوراخ و نابود می‌کند.

توجه: پافشاری بر گناه صغیره می‌تواند آن را مبدل به گناه کبیره کند.

اگر شیطان در این مرحله نیز نتوانست شخص را فریب دهد، به مرحله‌ی پنجم روی می‌آورد.

مرحله‌ی پنجم (مشغول کردن به کارهای مباح):

در این مرحله شیطان شخص را به کارهای مباح که نه ثوابی و نه عقابی در بر دارند مشغول می‌سازد و نتیجه‌ی آن از دست دادن ثوابی است که شخص با مشغول شدن به آنها از دست می‌دهد (مانند: زیاد خوابیدن، زیاد خوردن، زیاد حرف زدن، زیاد شوخی کردن، زیاد تماشا کردن، شب بیداری بی فایده و اسراف در لباس و غیره ...).

پس اگر شخص مسلمان در این مرحله تسلیم شیطان نشد و گول او را نخورد و برای وقت خود ارزش قائل شده و در حفظ آن بسیار حریص شد و در پرهیز از اتلاف وقت خیلی جدی بود، در این صورت شیطان به سراغ مرحله‌ی ششم می‌رود.

مرحله‌ی ششم

(مشغول کردن به عمل نیکی که ارزش کمتری دارد):

مشغول کردن فرد به کار خوب از خوبتر، به عبارت دیگر اگر دو عمل نیک وجود داشته باشد به گونه‌ای که یکی از آن دو، نیک و دیگری نیکتر و دارای ثواب بیشتری باشد، در این هنگام شیطان عمل خوب و نیک را در نظر او زیباتر جلوه می‌دهد و او را تشویق و وادار به انجام دادنش می‌کند تا اینکه او را از انجام عملی که دارای ثواب بیشتری است باز دارد و از ثواب آن بی‌نصیب نماید (همانند: تلاوت قرآن به جای جواب دادن به اذان و یا تلاوت قرآن در هنگام وجود کسب علم دین و ...).

در واقع افراد کمی هستند که به این نیرنگ شیطان پی برده و آن را درک می‌کنند، زیرا شخص مسلمان بعید می‌داند که این امر خیر از شیطان باشد می‌گوید: حتماً این امر خیر از جانب خداست و علم و آگاهی به این نمی‌رسد که شیطان به هفتاد در از درهای خیر دستور می‌دهد. تا اینکه به یک در شر برسد و خیر و ثوابی که انسان با وارد شدن به این در شر از دست می‌دهد بیشتر، و مهم تر و با برکت‌تر از آن هفتاد در است، و انسان چنین چیزی را درک نمی‌کند مگر بوسیله‌ی نوری که خداوند در دل او بیندازد. و این نور ایجاد نمی‌گردد مگر اینکه در تمام امور از رسول الله صلی الله علیه وسلم تبعیت کند و عنایت و توجه خاص به مراتب و منازل اعمال نزد خداوند داشته باشد، و اعمالی که مورد خشنودی و رضایت خدا است انجام دهد.

بدیهی است که این تبعیت و مراتب را کسی بجز وارثان و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت و خلفای او در روی زمین درک نمی‌کند. زیرا که بیشتر مردم نسبت به این امور، بی‌خبرند و اصلاً تصور آنها را نمی‌کنند، مگر بندگان که خداوند بخواهد آنان را مورد فضل و رحمت خود قرار دهد.

اگر جوان مؤمن و مسلمان در این شش مرحله فریب نخورد و شیطان را خسته و ناامید گردانید و شیطان نتوانست بر او از درون غلبه کند. از

خارج، لشکریان و طرفداران جن و انسان‌های شیطان صفت خود را با انواع اذیت، آزار، مسخره و دادن القابی مانند متشدد، تندرو، ملا و ... و با تکفیر و بدعت و ترس بر او مسلط می‌سازد تا اینکه او را گمنام و ناتوان و عاجز و مشغول به دفاع از خود سازد، تا دیگران از او استفاده نبرند.

اما مسلمان راستین و دعوتگر واقعی فریب این توطئه‌های باطل‌گویان را نمی‌خورد و از تسلط شیاطین انس و جن مصون و سرفراز بیرون می‌آید و هرگز از تبلیغ خود آرام نمی‌گیرد. بلکه در چنین موقعیتی است که لباس جنگ و مبارزه را بر تن می‌کند و در مقابل آنان به جهاد و مبارزه خود ادامه می‌دهد. تا زمانی که به لقاء الله

پیوندد. و آیه‌ی زیر همیشه ورد زبانش است ﴿حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ

هُوَ عَلَيَّ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [توبه: ۱۲۹]

گناهان، بلاها و مصیبت‌های فراوانی به دنبال دارد که

به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

(۱) محروم شدن از رزق و روزی یا از بین رفتن و زوال نعمت.

(۲) مورد لعنت خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله قرار گرفتن.

(۳) بدنبال داشتن گناهان دیگر و محروم ماندن از طاعت خداوند، زیرا هر گناه، گناهی دیگر را بدنبال می‌آورد.

(۴) ضعیف شدن اراده‌ی خیر.

(۵) انس و الفت گرفتن با گناه.

(۶) از بین رفتن ارزش انسان نزد پروردگار، به قول معروف از چشم خدا می‌افتد.

(۷) احساس ذلت و خواری نزد خدا و بندگان خدا و خاصاً بندگان صالح می‌کند، به گفته‌ی یکی از سلف: من معصیت می‌کنم و نتیجه آن را در اخلاق و رفتار با همسر یا حیوانم می‌بینم.

(۸) ضعیف شدن حافظه و محروم شدن از علم.

(۹) از دست دادن حیا و غیرت.

(۱۰) فراموش نمودن خدا.

(۱۱) از دست دادن شخصیت.

«يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»

ای زنده‌ی پایدار با رحمتت از تو طلب کمک می‌نمایم تمام امور مرا اصلاح کن و مرا به اندازه‌ی یک چشم به هم زدن به خودم واگذار نکن.

شیخ موسی بازماندگان. مدرس دانشکده دعوت و اصول دین

بندرعباس

برگرفته از تفسیر ابن قیم.